



نقش اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی در افزایش مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی

<p>شبهه استناددهی: رضاپوردمیه، سلمان، شهریاری، موسی، و ایدر، نبی اله. (۱۴۰۴). نقش اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی در افزایش مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۳(۲)، ۱-۲۰.</p>	<p>تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ تاریخ ارسال: ۲۴ فروردین ۱۴۰۴</p>	<p>سلمان رضاپوردمیه^۱ موسی شهریاری^{۱*} نبی اله ایدر^۱</p>
---	---	--

چکیده

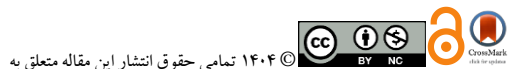
هدف این پژوهش بررسی نقش اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی در افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه چندقومیتی شهرستان گچساران است. این پژوهش با رویکرد آمیخته (کمی-کیفی) انجام شد. جامعه آماری شامل شهروندان گچساران بوده و نمونه‌ای به حجم ۳۸۲ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی، سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای بود که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شد. تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر انجام شد. نتایج نشان داد اثربخشی سیاسی دارای رابطه مثبت و معنادار با مشارکت سیاسی است ($r=0.363, p<0.001$) و مهم‌ترین پیش‌بین مستقیم آن محسوب می‌شود. در مقابل، اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم معناداری با مشارکت سیاسی نداشت، اما از طریق تأثیر بر اثربخشی سیاسی، اثر غیرمستقیم معناداری نشان داد. همچنین سیاست‌های قومی نیز اثر مستقیم معناداری بر مشارکت سیاسی نداشتند، اما از طریق افزایش اثربخشی سیاسی به صورت غیرمستقیم بر آن تأثیرگذار بودند. در میان ابعاد اثربخشی سیاسی، تکلیف‌مداری سیاسی و توانایی رقابت سیاسی بیشترین همبستگی را با مشارکت سیاسی داشتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اثربخشی سیاسی نقش محوری در تبیین مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی دارد و اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی عمدتاً از طریق تقویت این متغیر عمل می‌کنند. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و سیاسی باید بر ارتقای احساس اثربخشی سیاسی و تقویت اعتماد اجتماعی متمرکز شوند تا زمینه افزایش مشارکت سیاسی فراهم گردد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی، قومیت، گچساران

مشخصات نویسندگان:

۱. گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

پست الکترونیکی: moosashahryari@gmail.com



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.



The Role of Social Trust and Political Efficacy in Increasing Political Participation in Multi-ethnic Communities

Salman Rezapour Domye ¹ Moosa Shahriyari ^{1*} Nabi Allah Ider ¹	Submit Date: 13 April 2025 Revise Date: 11 May 2025 Accept Date: 18 May 2025 Publish Date: 22 June 2025	How to cite: Rezapour Domye, S., Shahriyari, M., & Ider, N. (2025). The Role of Social Trust and Political Efficacy in Increasing Political Participation in Multi-ethnic Communities. <i>Intelligent Learning and Management Transformation</i> , 3(20), 1-8.
--	--	---

Abstract

This study aims to examine the role of social trust and political efficacy in enhancing political participation among citizens in the multi-ethnic community of Gachsaran County. This research adopted a mixed-methods (quantitative–qualitative) design. The statistical population consisted of citizens of Gachsaran, from which a sample of 382 participants was selected using simple random sampling. Data were collected through standardized questionnaires measuring social trust, political efficacy, ethnic policies, and political participation using a five-point Likert scale. Validity and reliability were confirmed. Data analysis was conducted at descriptive and inferential levels using Pearson correlation, multiple regression, and path analysis. The results indicated that political efficacy has a positive and significant relationship with political participation ($r=0.363$, $p<0.001$) and serves as the strongest direct predictor. Social trust did not show a significant direct relationship with political participation; however, it exerted a significant indirect effect through political efficacy. Similarly, ethnic policies did not have a significant direct effect but influenced political participation indirectly via political efficacy. Among the dimensions of political efficacy, political duty orientation and the ability for political competition exhibited the strongest correlations with political participation. The findings highlight the central role of political efficacy in explaining political participation in multi-ethnic societies. Social trust and ethnic policies primarily operate through strengthening political efficacy. Therefore, policy interventions should focus on enhancing citizens' sense of political efficacy and fostering social trust to promote higher levels of political participation.

Keywords: Political Participation, Social Trust, Political Efficacy, Ethnicity, Gachsaran

Authors' Information:

moosashahryari@gmail.com

1. Department of Political Sociology, Sho.C, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0 License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).

مقدمه

مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی و حکمرانی دموکراتیک، بیانگر میزان درگیری فعال شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی، انتخاب رهبران و شکل‌دهی به سیاست‌های عمومی است. این مفهوم نه تنها به عنوان یک حق شهروندی، بلکه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی نیز تلقی می‌شود که می‌تواند به تقویت مشروعیت نظام سیاسی و افزایش کارآمدی نهادهای حکمرانی منجر شود (Brik, 2023; Zahed Bablan et al., 2021). در این میان، الگوهای مشارکت سیاسی در جوامع مختلف تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، فرهنگی و روان‌شناختی قرار دارند که شناخت دقیق آن‌ها برای طراحی سیاست‌های مؤثر ضروری است. به‌ویژه در جوامع چندقومیتی، که تنوع فرهنگی و هویتی به‌عنوان یک ویژگی بارز مطرح است، این عوامل پیچیدگی بیشتری یافته و تعامل میان آن‌ها می‌تواند اشکال متفاوتی از مشارکت سیاسی را رقم بزند (Benos & Kammass, 2023; Rahbar et al., 2024).

در ادبیات نظری، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های تبیینی مشارکت سیاسی مطرح شده است. در این چارچوب، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل، نقش کلیدی در تسهیل کنش‌های جمعی ایفا می‌کنند (Coleman, 1988; Putnam, 2015). اعتماد اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌ای مرکزی از سرمایه اجتماعی، بیانگر میزان اطمینان افراد به یکدیگر و به نهادهای اجتماعی و سیاسی است و می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های جمعی و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شود. بر اساس دیدگاه پاتنام، کاهش سطح اعتماد اجتماعی می‌تواند به کاهش مشارکت مدنی و سیاسی منجر شود، در حالی که تقویت آن، بستر مناسبی برای افزایش مشارکت فراهم می‌آورد (Putnam, 2015). همچنین، کلمن معتقد است که اعتماد اجتماعی با کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش هماهنگی میان افراد، مشارکت در فعالیت‌های جمعی را تسهیل می‌کند (Coleman, 1988).

با این حال، رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی همواره خطی و مستقیم نیست و می‌تواند تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای و میانجی قرار گیرد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اعتماد سیاسی و اجتماعی می‌تواند به‌صورت دوگانه عمل کند؛ به‌گونه‌ای که در برخی شرایط به‌عنوان منبعی برای مشارکت و در شرایط دیگر به‌عنوان عاملی بازدارنده عمل می‌کند (Ouattara & Steenvoorden, 2024). به‌عنوان مثال، در جوامعی که سطح اعتماد به نهادهای سیاسی بالا است، ممکن است شهروندان احساس کنند که نیازی به مشارکت فعال ندارند، زیرا نظام سیاسی به‌خوبی عمل می‌کند. در مقابل، در شرایط بی‌اعتمادی، افراد ممکن است یا به‌صورت اعتراضی مشارکت کنند یا به‌طور کامل از مشارکت کناره‌گیری نمایند. این پیچیدگی نشان می‌دهد که برای درک دقیق نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت سیاسی، باید سایر متغیرهای مرتبط نیز مورد توجه قرار گیرند.

یکی از مهم‌ترین این متغیرها، اثربخشی سیاسی است که به باور فرد نسبت به توانایی خود در تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی اشاره دارد. اثربخشی سیاسی به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی، نقش مهمی در انگیزش افراد برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی ایفا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان حلقه

واسط میان عوامل اجتماعی و رفتارهای سیاسی عمل کند (Prats & Meunier, 2021; Villaman, 2025). بر اساس نظریه‌های جدید، افرادی که احساس می‌کنند صدای آن‌ها در نظام سیاسی شنیده می‌شود و می‌توانند بر تصمیمات سیاسی تأثیر بگذارند، احتمال بیشتری دارد که در انتخابات، فعالیت‌های مدنی و سایر اشکال مشارکت سیاسی حضور فعال داشته باشند (Villaman, 2025). در مقابل، فقدان این احساس می‌تواند به بی‌تفاوتی سیاسی و کاهش مشارکت منجر شود.

در چارچوب مدل‌های نظری مانند مدل داوطلبی مدنی و نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، اثربخشی سیاسی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی قصد مشارکت سیاسی معرفی شده است (Goetting & Becker, 2025). این مدل‌ها نشان می‌دهند که مشارکت سیاسی نتیجه تعامل میان منابع فردی، انگیزه‌ها و فرصت‌های ساختاری است و اثربخشی سیاسی نقش مهمی در تبدیل این منابع و انگیزه‌ها به رفتار واقعی ایفا می‌کند. همچنین، مطالعات تجربی نشان داده‌اند که اثربخشی سیاسی نه تنها به‌صورت مستقیم بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند نقش میانجی در رابطه بین سایر متغیرها، از جمله اعتماد اجتماعی، ایفا کند (Zhu, 2023).

در کنار این عوامل، نقش رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی نیز در شکل‌دهی به مشارکت سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند از طریق افزایش دسترسی به اطلاعات، تسهیل بیان دیدگاه‌ها و تقویت هویت‌های سیاسی، مشارکت سیاسی را افزایش دهد (Lissitsa, 2021; Wang et al., 2024). با این حال، این تأثیرات نیز می‌توانند بسته به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت باشند. به‌ویژه در جوامع چندقومیتی، رسانه‌ها می‌توانند هم به تقویت حس تعلق و هم به تشدید شکاف‌های قومی منجر شوند (Park et al., 2023).

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، جوامع چندقومیتی دارای ویژگی‌های خاصی هستند که تحلیل مشارکت سیاسی در آن‌ها را پیچیده‌تر می‌سازد. تنوع قومی می‌تواند به شکل‌گیری هویت‌های گروهی متفاوت و گاه متعارض منجر شود که این امر بر الگوهای مشارکت سیاسی تأثیرگذار است (Tajfel et al., 2001). نظریه هویت اجتماعی تأکید می‌کند که افراد تمایل دارند رفتارهای خود را بر اساس تعلقات گروهی تنظیم کنند و این امر می‌تواند به تفاوت در میزان و نوع مشارکت سیاسی میان گروه‌های قومی مختلف منجر شود. علاوه بر این، وجود تعصبات قومی و سطح اعتماد بین گروهی می‌تواند بر تعاملات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشد (Cetre et al., 2024).

در این زمینه، سیاست‌های قومی و نحوه مدیریت تنوع فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به مشارکت سیاسی دارند. سیاست‌هایی که بر عدالت، شمول و احترام به تنوع تأکید دارند، می‌توانند به افزایش اعتماد و احساس تعلق در میان گروه‌های مختلف منجر شده و در نتیجه مشارکت سیاسی را تقویت کنند. در مقابل، سیاست‌های تبعیض‌آمیز می‌توانند به کاهش اعتماد و مشارکت منجر شوند. مطالعات نشان داده‌اند که ترتیبات

پاسخگویی سیاسی و اجتماعی نیز می‌تواند بر ادراک مشروعیت و در نتیجه بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشند (Brummel & de Blok, 2024).

در سطح داخلی، پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و فرهنگ سیاسی از جمله عوامل مهم در تبیین مشارکت سیاسی هستند (Aliakbari et al., 2024; Amoozadeh et al., 2024). همچنین، برخی پژوهش‌ها به نقش اعتماد اجتماعی در انگیزش مشارکت سیاسی جوانان اشاره کرده‌اند و نشان داده‌اند که افزایش اعتماد می‌تواند به افزایش تمایل به مشارکت منجر شود (Sadeghi Sarcheshmeh & Morshedizad, 2023). در عین حال، پژوهش‌هایی نیز بر نقش اعتماد سیاسی و خودکارآمدی سیاسی در افزایش مشارکت تأکید کرده‌اند (Eslami et al., 2024).

با وجود این، خلأهای پژوهشی قابل توجهی در این حوزه وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین به بررسی جداگانه متغیرهایی مانند اعتماد اجتماعی یا اثربخشی سیاسی پرداخته‌اند و کمتر به بررسی همزمان و تعاملی این متغیرها در بافت‌های چندقومیتی توجه کرده‌اند. همچنین، نقش میانجی اثربخشی سیاسی در رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. از سوی دیگر، شرایط خاص جوامع چندقومیتی، از جمله وجود تنوع فرهنگی، شکاف‌های اجتماعی و تفاوت در دسترسی به منابع، ضرورت انجام مطالعات زمینه‌محور را دوچندان می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی قرار دارد. اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی به‌عنوان دو متغیر کلیدی در این میان، نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارهای مشارکتی ایفا می‌کنند، اما نحوه تأثیرگذاری آن‌ها می‌تواند بسته به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت باشد. بنابراین، بررسی همزمان این متغیرها و تحلیل روابط مستقیم و غیرمستقیم میان آن‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تر از سازوکارهای مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی کمک کند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی در افزایش مشارکت سیاسی در جامعه چندقومیتی شهرستان گچساران است.

روش‌شناسی

این پژوهش به بررسی نقش اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی در افزایش مشارکت سیاسی در بافت چندقومیتی شهر گچساران می‌پردازد. برای دستیابی به اهداف تحقیق، از طرح پژوهشی آمیخته (کمی-کیفی) استفاده شده است. در بخش کیفی، مؤلفه‌های اصلی اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی از طریق مطالعه ادبیات نظری استخراج شده‌اند. در مرحله کمی، روابط میان متغیرهای اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی و سیاست‌های قومی با مشارکت سیاسی بررسی شده است. این رویکرد ترکیبی، شناخت عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی را فراهم

ساخته است. این تحقیق از منظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، پژوهشی توصیفی-همبستگی است که به بررسی روابط بین متغیرها در شرایط طبیعی می‌پردازد.

جامعه آماری این مطالعه را کلیه شهروندان ساکن در شهرستان گچساران با جمعیت ۱۲۴,۰۹۶ نفر تشکیل می‌دهند. این جمعیت از گروه‌های قومی متنوعی مانند کرد، لر و عرب تشکیل شده که زمینه مناسبی برای بررسی متغیرهای تحقیق در بستر چندقومیتی فراهم می‌آورد. علاوه بر این، جامعه هدف تحقیق به کل مردم استان که شامل اقوام مختلف می‌شود، اختصاص دارد. در این راستا، گروه هدف تحقیق بیشتر بر روی اقوام کرد، لر و عرب که در این استان ساکن هستند، متمرکز است. هدف از این انتخاب، بررسی تأثیرات قومیتی و تفاوت‌های فرهنگی در زمینه گرایش‌های سیاسی و مشارکت اجتماعی است که ممکن است در بین این گروه‌های قومی مشاهده شود. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری احتمالی ساده استفاده شده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن پارامترهای $t=1.96$ ، $d=0.05$ ، $p=q=0.5$ و $N=124,096$ ، برابر با ۳۸۲ نفر محاسبه شده است. در فرایند نمونه‌گیری تلاش شده تا توزیع قومیتی نمونه، بازتاب‌دهنده توزیع قومیتی در جامعه هدف باشد. این انتخاب به گونه‌ای انجام شده که نمونه‌های مورد بررسی دارای ویژگی‌هایی باشند که نمایانگر و معرف خصوصیات کلی جامعه اصلی باشند، تا نتایج حاصل از مطالعه به‌طور منطقی و معتبر به کل جامعه آماری تعمیم داده شود.

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز این مطالعه، ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی به کار گرفته شده است. در بخش اسنادی، مجموعه‌ای غنی از منابع علمی شامل کتب، مقالات پژوهشی، اسناد سیاسی و پایان‌نامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته تا زیربنای نظری مستحکمی برای پژوهش فراهم آید. در بخش پیمایشی، داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های ساختاریافته جمع‌آوری شده‌اند که بر اساس چارچوب نظری و اهداف تحقیق طراحی شده‌اند. ابزارهای سنجش مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: پرسشنامه اعتماد اجتماعی که میزان اعتماد افراد به دولت، مسئولین و نزدیکان را می‌سنجد؛ پرسشنامه اثربخشی سیاسی که باور افراد از توانایی تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی را ارزیابی می‌کند و شامل ابعاد تکلیف‌مداری سیاسی، توانایی رقابت سیاسی و توانایی اثرگذاری سیاسی است؛ پرسشنامه نگرش سیاسی که دیدگاه افراد نسبت به مسائل سیاسی روز و سیاست‌های قومی را مورد سنجش قرار می‌دهد؛ و پرسشنامه مشارکت سیاسی که هم مشارکت رسمی (مانند شرکت در انتخابات و عضویت در تشکل‌های سیاسی) و هم مشارکت غیررسمی (نظیر بحث‌های سیاسی در محافل خانوادگی و پیگیری اخبار) را ارزیابی می‌کند. تمامی پرسشنامه‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای طراحی شده و روایی و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. داده‌های حاصل از این پرسشنامه‌ها امکان تحلیل دقیق رابطه بین متغیرهای اصلی پژوهش را فراهم آورده است.

برای اطمینان از اعتبار علمی ابزارهای پژوهش، روایی و پایایی پرسشنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. روایی پرسشنامه‌ها به روش روایی محتوایی و با استفاده از نظرات متخصصان در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تأیید شده است. این متخصصان با بررسی دقیق گویه‌ها، انطباق آن‌ها با

مبانی نظری و اهداف پژوهش را تأیید کرده‌اند. برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که برای تمامی پرسشنامه‌ها بالاتر از ۰.۷ محاسبه شده است. به طور مشخص، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی، سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی همگی بالاتر از ۰.۷ بوده که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب و قابلیت اعتماد بالای این ابزارها است.

تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. در سطح توصیفی، از شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و نما) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، واریانس، دامنه تغییرات) برای توصیف ویژگی‌های نمونه و وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش استفاده شده است. در سطح استنباطی، از آزمون‌های همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی و سیاست‌های قومی) و متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) استفاده شده است. برای تعیین سهم و وزن نسبی هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. برای ترسیم مدل روابط بین متغیرها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SmartPLS استفاده شده است که امکان بررسی همزمان روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها را فراهم می‌آورد. تمامی تحلیل‌های آماری توصیفی و استنباطی با نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شده است.

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه بررسی می‌شود و سپس به آزمون فرضیه‌های مرتبط با متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته خواهد شد. در ادامه با استفاده از تحلیل مسیر، روابط مستقیم و غیرمستقیم بین اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی در بافت چندقومیتی شهرستان گچساران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری، اطلاعات ارزشمندی را در مورد توزیع سنی، جنسیتی و قومیتی جامعه مورد مطالعه فراهم می‌آورد. این اطلاعات، زمینه‌ای برای درک بهتر الگوهای مشارکت سیاسی در بین گروه‌های مختلف جمعیتی و قومی را فراهم می‌سازد. جدول ۱ توزیع فراوانی و درصدی نمونه آماری را بر اساس متغیرهای سن، جنسیت و قومیت نشان می‌دهد.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری

متغیر	طبقه	تعداد	درصد
سن	زیر ۲۰ سال	۵۰	۱۳.۱
	۲۰-۳۰ سال	۱۲۰	۳۱.۴
	۳۱-۴۰ سال	۱۰۰	۲۶.۲
بالای ۴۰ سال		۱۱۲	۲۹.۳
	مرد	۲۷۸	۷۳
جنسیت	زن	۱۰۴	۲۷
قومیت	لر	۲۲۸	۶۰

۳۵	۱۳۳	ترک قشقایی
۵	۲۱	سایر اقوام

جدول ۱ نشان می‌دهد که توزیع سنی نمونه آماری نسبتاً متوازن است، اگرچه بیشترین درصد پاسخ‌دهندگان (۳۱.۴٪) در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار دارند. این امر نشان‌دهنده حضور فعال جوانان در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی است. از نظر جنسیت، توزیع نمونه حاکی از غلبه مردان (۷۳٪) نسبت به زنان (۲۷٪) است که می‌تواند بازتاب‌دهنده چالش‌های فرهنگی و اجتماعی پیش روی مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی در این منطقه باشد. از نظر قومیت، اکثریت پاسخگویان (۶۰٪) از قوم لر هستند که این امر نشان‌دهنده غالب بودن این قومیت در منطقه گچساران است. قوم ترک قشقایی با ۳۵٪ از نمونه، دومین گروه قومی عمده را تشکیل می‌دهند. سایر اقوام تنها ۵٪ از نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. این توزیع قومیتی، تنوع فرهنگی و زبانی قابل توجهی را در منطقه نشان می‌دهد که زمینه مناسبی را برای بررسی تأثیر قومیت بر الگوهای مشارکت سیاسی فراهم می‌آورد.

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای مشارکتی در جوامع چندقومیتی ایفا می‌کند. در این پژوهش، رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۲ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۲: همبستگی پیرسون و آزمون معناداری متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی

عامل‌های اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی	معنی داری	فراوانی
اعتماد اجتماعی	۰.۱۰۶	۰.۰۹۴	۳۸۲
اعتماد به نزدیکان	۰.۱۷۲	۰.۰۰۷	۳۸۲

نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی به طور کلی با مشارکت سیاسی همبستگی معناداری ندارد ($r=0.106, p>0.05$). با این حال، تحلیل دقیق‌تر ابعاد اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که "اعتماد به نزدیکان" که شامل اعتماد به خانواده، دوستان و آشنایان است، با مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و معناداری دارد ($r=0.172, p<0.01$). این یافته بیانگر آن است که هرچه افراد به محیط اجتماعی نزدیک خود اعتماد بیشتری داشته باشند، احتمال مشارکت آنها در فعالیت‌های سیاسی نیز افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند به دلیل نقش حمایتی شبکه‌های اجتماعی نزدیک در تشویق و ترغیب افراد به مشارکت در امور سیاسی باشد. در جوامع چندقومیتی، اعتماد به نزدیکان می‌تواند به عنوان یک عامل انسجام‌بخش درون‌گروهی عمل کرده و زمینه را برای مشارکت گروهی در فعالیت‌های سیاسی فراهم آورد.

اثربخشی سیاسی به باور فرد نسبت به توانایی خود در تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی اشاره دارد. این متغیر شامل سه بعد تکلیف‌مداری سیاسی، توانایی رقابت سیاسی و توانایی اثرگذاری سیاسی است. جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین اثربخشی سیاسی و ابعاد آن با مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: همبستگی پیرسون و آزمون معناداری متغیر شاخص‌های اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی

اثربخشی سیاسی / مشارکت سیاسی	تکلیف‌مداری سیاسی	توانایی رقابت سیاسی	توانایی اثرگذاری سیاسی	اثربخشی سیاسی
ضریب همبستگی	۰.۳۳۹	۰.۲۰۴	۰.۱۰۲	۰.۳۶۳
معنی داری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	۰.۱۰۷	۰.۰۰۰
فراوانی	۳۸۲	۳۸۲	۳۸۲	۳۸۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.363, p<0.001$). این یافته تأییدکننده این فرضیه است که هرچه احساس اثربخشی سیاسی در افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی آنها نیز بیشتر خواهد بود. تحلیل ابعاد اثربخشی سیاسی نشان می‌دهد که تکلیف‌مداری سیاسی با ضریب همبستگی ۰.۳۳۹ و در سطح معناداری ۰.۰۰۱، قوی‌ترین همبستگی را با مشارکت سیاسی دارد. این بدان معناست که افرادی که مشارکت سیاسی را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مدنی می‌دانند، احتمال بیشتری دارد که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند. توانایی رقابت سیاسی نیز با ضریب همبستگی ۰.۲۰۴ و در سطح معناداری ۰.۰۰۱، همبستگی مثبت و معناداری با مشارکت سیاسی دارد. این یافته نشان می‌دهد که باور دارند از توانایی و مهارت لازم برای رقابت در عرصه سیاسی برخوردار هستند و نظام سیاسی نیز این مهارت‌ها را می‌پذیرد، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی دارند. با این حال، بین توانایی اثرگذاری سیاسی و مشارکت سیاسی همبستگی معناداری مشاهده نشد ($r=0.102, p>0.05$). این یافته قابل تأمل است، زیرا نشان می‌دهد که صرف باور به توانایی اثرگذاری بر تصمیمات سیاسی، لزوماً به مشارکت بیشتر منجر نمی‌شود. این امر می‌تواند ناشی از تجربیات منفی گذشته یا بی‌اعتمادی به نظام سیاسی در زمینه پذیرش و اعمال نظرات شهروندان باشد.

سیاست‌های قومی به سیاست‌ها و رویکردهای مرتبط با مدیریت تنوع قومی و فرهنگی در جامعه اشاره دارد. در این پژوهش، رابطه بین سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۴ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴: همبستگی پیرسون و آزمون معناداری متغیرهای سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی

عامل‌های سیاست‌های قومی	ضریب همبستگی	معنی داری	فراوانی
سیاست‌های قومی	۰.۰۵۲	۰.۴۱۴	۳۸۲
هویت‌های قومی	۰.۰۳۰-	۰.۸۸۴	۳۵
تعامل با گروه‌ها و نهادها	۰.۱۳۴-	۰.۰۱۲۶	۱۵۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین سیاست‌های قومی به طور کلی و مشارکت سیاسی همبستگی معناداری وجود ندارد ($r=0.052, p>0.05$). همچنین، بین هویت‌های قومی و مشارکت سیاسی نیز همبستگی معناداری مشاهده نشد ($r=-0.030, p>0.05$). این یافته‌ها نشان می‌دهند که صرف وجود سیاست‌های قومی یا هویت قومی قوی، لزوماً به افزایش مشارکت سیاسی منجر نمی‌شود. با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که بین "تعامل با گروه‌ها و نهادها" و مشارکت سیاسی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد ($r=-0.134, p<0.05$). این یافته نشان می‌دهد که هرچه میزان تعامل افراد با نهادهای رسمی بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی آنها کاهش می‌یابد. این امر می‌تواند ناشی از تجربیات منفی افراد در تعامل با نهادهای رسمی، بوروکراسی پیچیده و ناکارآمد، یا احساس عدم پذیرش از سوی این نهادها باشد.

برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای اعتماد اجتماعی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. در مرحله اول، متغیر مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی و سیاست‌های قومی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۵: تحلیل واریانس برای آزمون معناداری رابطه متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی

منابع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	معنی داری F
رگرسیون	۳	۱۸۵۴	۰.۶۱۸	۲.۳۴۱	۰.۰۰۴
باقی مانده	۳۷۹	۱۴.۲۲۵	۰.۰۸۵		

نتایج تحلیل واریانس در جدول ۵ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است ($F=2.341, p<0.01$). این یافته حاکی از آن است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل، تأثیر معناداری بر متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) دارد. پس از تأیید معناداری مدل رگرسیون، ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل محاسبه شده‌اند که در جدول ۶ ارائه شده‌اند.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون و تحلیل اثرات متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی

متغیر مستقل	B	beta	T	معنی داری T	R	R ² Adj
اعتماد اجتماعی	۰.۰۶۶	۰.۰۸۶	۱.۰۳۰	۰.۳۰۶	۰.۲۱۵	۰.۰۹۶
سیاست‌های قومی	۰.۰۳۷	۰.۰۷۳	۰.۸۶۷	۰.۳۸۸		
اثربخشی سیاسی	۰.۱۹۹	۰.۲۹۸	۳.۷۱۲	۰.۰۰۰		

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل مورد مطالعه، تنها اثربخشی سیاسی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر مشارکت سیاسی دارد ($\beta=0.298, p<0.001$). این یافته تأییدکننده نقش محوری اثربخشی سیاسی در تبیین مشارکت سیاسی است. ضریب بتای ۰.۲۹۸ برای اثربخشی

سیاسی نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در اثربخشی سیاسی، مشارکت سیاسی به میزان ۰.۲۹۸ واحد افزایش می‌یابد. متغیرهای اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی تأثیر مستقیم معناداری بر مشارکت سیاسی ندارند ($p > 0.05$). این یافته نشان می‌دهد که این متغیرها ممکن است از طریق مسیرهای غیرمستقیم و با نقش میانجی متغیرهای دیگر بر مشارکت سیاسی تأثیر بگذارند. ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{ann}) برای مدل برابر با ۰.۰۹۶ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، حدود ۹.۶ درصد از واریانس مشارکت سیاسی را تبیین می‌کنند.

با توجه به نتایج مرحله اول تحلیل مسیر که نشان داد تنها متغیر اثربخشی سیاسی تأثیر مستقیم معناداری بر مشارکت سیاسی دارد، در این مرحله به بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی سیاسی پرداخته می‌شود. در این مرحله، متغیر اثربخشی سیاسی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۷: ضرایب رگرسیون و تحلیل اثرات متغیرهای مستقل بر اثربخشی سیاسی

متغیر مستقل	B	beta	T	معنی داری T	R	R ² .Adj
اعتماد اجتماعی	۰.۲۶۰	۰.۲۲۹	۲.۹۰۱	۰.۰۰۵	۰.۳۳۸	۰.۱۲۰
سیاست‌های قومی	۰.۲۰۳	۰.۲۷۰	۳.۴۶۲	۰.۰۰۱		

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که هر دو متغیر اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی تأثیر مثبت و معناداری بر اثربخشی سیاسی دارند. اعتماد اجتماعی با ضریب بتای ۰.۲۲۹ و سطح معناداری ۰.۰۰۵ تأثیر مثبت و معناداری بر اثربخشی سیاسی دارد. این یافته نشان می‌دهد که هرچه میزان اعتماد اجتماعی در افراد بیشتر باشد، احساس اثربخشی سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد. سیاست‌های قومی با ضریب بتای ۰.۲۷۰ و سطح معناداری ۰.۰۰۱ نیز تأثیر مثبت و معناداری بر اثربخشی سیاسی دارد. این یافته نشان می‌دهد که سیاست‌های مناسب در زمینه مدیریت تنوع قومی می‌تواند به افزایش احساس اثربخشی سیاسی در افراد منجر شود. هنگامی که گروه‌های قومی احساس کنند که سیاست‌های موجود به نیازها و خواسته‌های آنها توجه دارد، احتمالاً باور بیشتری به توانایی خود در تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی خواهند داشت. ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{ann}) برای مدل برابر با ۰.۱۲۰ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، حدود ۱۲ درصد از واریانس اثربخشی سیاسی را تبیین می‌کنند.

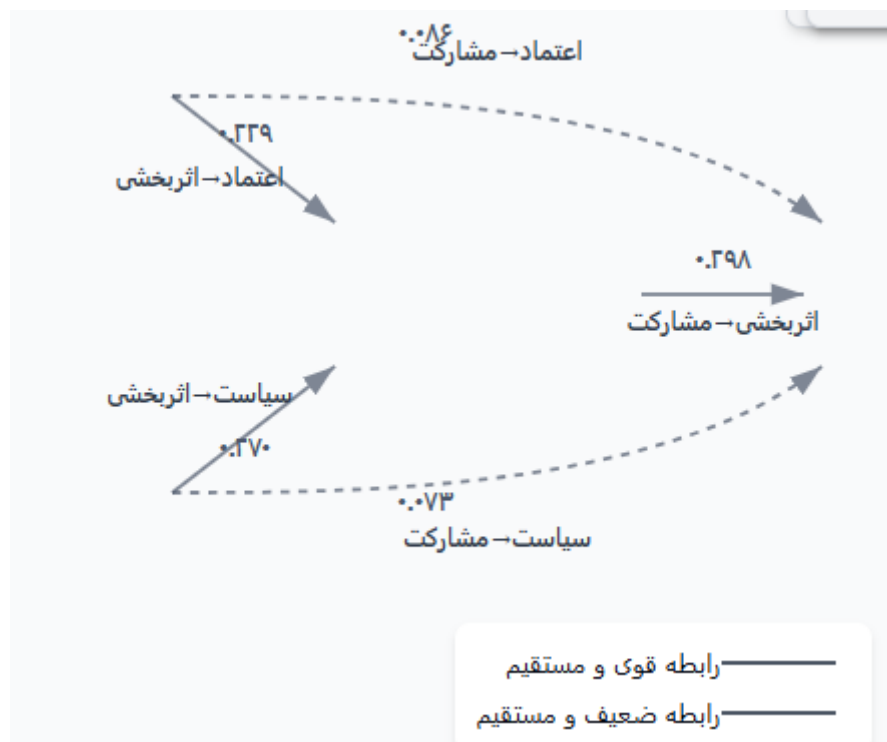
با استفاده از ضرایب مسیر به دست آمده، اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر مشارکت سیاسی محاسبه شده است.

جدول ۸: محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
اثربخشی سیاسی	۰.۲۹۸	-	۰.۲۹۸
اعتماد اجتماعی	۰.۰۸۶	0.068×0.229	۰.۱۵۴
سیاست‌های قومی	۰.۰۷۳	0.080×0.270	۰.۱۵۳

جدول ۸ نشان می‌دهد که اثربخشی سیاسی با ضریب ۰.۲۹۸ بیشترین اثر مستقیم را بر مشارکت سیاسی دارد. اعتماد اجتماعی علاوه بر اثر مستقیم ضعیف (۰.۰۸۶)، دارای اثر غیرمستقیم ۰.۰۶۸ از طریق اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی است. سیاست‌های قومی نیز علاوه بر اثر مستقیم ضعیف (۰.۰۷۳)، دارای اثر غیرمستقیم ۰.۰۸۰ از طریق اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی بیشتر از طریق تأثیر بر اثربخشی سیاسی، به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند تا به طور مستقیم. اثر کل اعتماد اجتماعی (۰.۱۵۴) و سیاست‌های قومی (۰.۱۵۳) بر مشارکت سیاسی قابل توجه است، اما همچنان کمتر از اثر اثربخشی سیاسی (۰.۲۹۸) می‌باشد.

بر اساس نتایج تحلیل مسیر، مدل نهایی روابط بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، اثربخشی سیاسی، سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی به صورت زیر ترسیم شده است. این مدل نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی علاوه بر اثر مستقیم (هرچند ضعیف) بر مشارکت سیاسی، از طریق تأثیر بر اثربخشی سیاسی، به طور غیرمستقیم نیز بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند.



شکل ۱: دیاگرام تحلیل مسیر متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی.

نمودار ۱ مدل نهایی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. در این مدل، اثربخشی سیاسی به عنوان متغیر میانجی بین اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی با مشارکت سیاسی عمل می‌کند. بر اساس این مدل، اثربخشی سیاسی با ضریب مسیر ۰.۲۹۸ بیشترین تأثیر مستقیم را بر مشارکت سیاسی دارد. همچنین، اعتماد اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۲۲۹ و سیاست‌های قومی با ضریب مسیر ۰.۲۷۰ بر اثربخشی سیاسی تأثیر می‌گذارند و از این طریق به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار هستند. این مدل نشان می‌دهد که در جوامع چندقومیتی، اعتماد اجتماعی و سیاست‌های

قومی می‌توانند از طریق تقویت احساس اثربخشی سیاسی، به افزایش مشارکت سیاسی شهروندان کمک کنند. به عبارت دیگر، هنگامی که اعتماد اجتماعی در جامعه تقویت می‌شود و سیاست‌های قومی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که به نیازها و خواسته‌های گروه‌های قومی مختلف توجه داشته باشند، افراد احساس اثربخشی سیاسی بیشتری می‌کنند و در نتیجه، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های سیاسی از خود نشان می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اثربخشی سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر پیش‌بین، دارای اثر مستقیم و معنادار بر مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه چندقومیتی مورد مطالعه است. این یافته بیانگر آن است که هرچه افراد باور قوی‌تری نسبت به توانایی خود در تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی داشته باشند، تمایل و مشارکت بیشتری در فعالیت‌های سیاسی از خود نشان می‌دهند. این نتیجه با چارچوب‌های نظری مرتبط با اثربخشی سیاسی همخوانی دارد که آن را به‌عنوان یک عامل انگیزشی کلیدی در رفتارهای مشارکتی معرفی می‌کند (Prats & Meunier, 2021; Villaman, 2025). در همین راستا، نتایج پژوهش ژو نیز نشان می‌دهد که اثربخشی سیاسی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی، رابطه بین مشارکت و پیامدهای سیاسی مانند رضایت از دولت را تقویت کند (Zhu, 2023). همچنین، در چارچوب مدل داوطلبی مدنی و نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، اثربخشی سیاسی به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری قصد مشارکت و تبدیل آن به رفتار واقعی معرفی شده است (Goetting & Becker, 2025). بنابراین، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کند که درک و تقویت احساس اثربخشی سیاسی می‌تواند نقش اساسی در افزایش مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی ایفا کند.

در خصوص اعتماد اجتماعی، نتایج نشان داد که این متغیر به‌صورت مستقیم تأثیر معناداری بر مشارکت سیاسی ندارد، اما از طریق تأثیر بر اثربخشی سیاسی، به‌صورت غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی اثرگذار است. این یافته حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی به‌تنهایی برای تحریک مشارکت سیاسی کافی نیست، بلکه زمانی می‌تواند به مشارکت منجر شود که به تقویت احساس توانمندی سیاسی در افراد بینجامد. این نتیجه با یافته‌های اوآتارا و استینووردن همسو است که نشان دادند تأثیر اعتماد بر مشارکت پیچیده و وابسته به شرایط زمینه‌ای است و می‌تواند به‌عنوان منبع یا مانع مشارکت عمل کند (Ouattara & Steenvoorden, 2024). همچنین، نتایج پژوهش صادقی سرچشمه و مرشدی‌زاد نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در کنار سایر عوامل روان‌شناختی، می‌تواند انگیزه مشارکت را افزایش دهد (Sadeghi Sarcheshmeh & Morshedizad, 2023). از سوی دیگر، نظریه سرمایه اجتماعی کلمن و پاتنام نیز بر این نکته تأکید دارند که اعتماد اجتماعی از طریق ایجاد شبکه‌های حمایتی و کاهش هزینه‌های کنش جمعی، زمینه مشارکت را فراهم می‌کند، اما برای تحقق رفتار مشارکتی، وجود انگیزه‌های فردی مانند احساس اثربخشی ضروری است (Coleman, 1988; Putnam, 2015).

یافته‌های پژوهش در زمینه سیاست‌های قومی نیز نشان داد که این متغیر به صورت مستقیم تأثیر معناداری بر مشارکت سیاسی ندارد، اما از طریق افزایش اثربخشی سیاسی، به صورت غیرمستقیم بر مشارکت اثرگذار است. این نتیجه بیانگر آن است که سیاست‌های مرتبط با مدیریت قومی زمانی می‌توانند به افزایش مشارکت سیاسی منجر شوند که موجب تقویت احساس توانمندی و اثرگذاری در میان گروه‌های قومی شوند. این یافته با نظریه هویت اجتماعی همخوانی دارد که بر نقش تعلقات گروهی در شکل‌دهی به رفتارهای سیاسی تأکید می‌کند (Tajfel et al., 2001). همچنین، مطالعاتی مانند بنوس و کاماس نشان داده‌اند که تنوع قومی می‌تواند بر الگوهای مشارکت اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار باشد (Benos & Kammas, 2023). در همین راستا، پژوهش ستره و همکاران نیز نشان می‌دهد که اعتماد بین گروهی و ادراک عدالت در میان گروه‌های قومی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای مشارکتی دارد (Cetre et al., 2024).

از منظر تحلیلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اثربخشی سیاسی نقش میانجی مهمی در رابطه بین اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی با مشارکت سیاسی ایفا می‌کند. این یافته با مطالعاتی که بر نقش متغیرهای روان‌شناختی در میانجی‌گری روابط اجتماعی تأکید دارند، همسو است (Sindermann, 2024). به عبارت دیگر، اعتماد اجتماعی و سیاست‌های قومی از طریق تأثیر بر ادراکات فردی و احساس توانمندی سیاسی، می‌توانند به مشارکت سیاسی منجر شوند. این امر نشان‌دهنده اهمیت توجه به ابعاد ذهنی و ادراکی در تحلیل رفتارهای سیاسی است.

در سطح گسترده‌تر، یافته‌های این پژوهش با مطالعاتی که به بررسی نقش فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی پرداخته‌اند، همخوانی دارد. برای مثال، پژوهش آقایی خانه برق و همکاران نشان داد که فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی می‌توانند از طریق افزایش اعتماد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت سیاسی را تقویت کنند (Aghaei Khaneh Bargh et al., 2020). همچنین، نتایج پژوهش علی‌اکبری و همکاران و عموزاده و همکاران نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و عوامل اجتماعی نقش مهمی در تبیین مشارکت سیاسی دارند (Aliakbari et al., 2024; Amoozadeh et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی یک پدیده چندبعدی است که تحت تأثیر تعامل میان عوامل ساختاری و روان‌شناختی قرار دارد.

در عین حال، نقش رسانه‌ها و ارتباطات نیز در تبیین مشارکت سیاسی قابل توجه است. پژوهش وانگ و همکاران نشان می‌دهد که دسترسی به اطلاعات و امکان بیان دیدگاه‌ها از طریق رسانه‌ها می‌تواند مشارکت سیاسی را افزایش دهد (Wang et al., 2024). همچنین، پژوهش پارک و همکاران بر نقش احساس تعلق در میان گروه‌های چندفرهنگی تأکید دارد که می‌تواند بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشد (Park et al., 2023). از سوی دیگر، لیسیتسا نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های دیجیتال می‌تواند بر اعتماد به نهادهای سیاسی تأثیر بگذارد و از این طریق مشارکت را تحت تأثیر قرار دهد (Lissitsa, 2021). این یافته‌ها نشان می‌دهد که در دنیای معاصر، عوامل ارتباطی و رسانه‌ای نیز به عنوان بخشی از زمینه‌های شکل‌دهنده مشارکت سیاسی باید مورد توجه قرار گیرند.

همچنین، نتایج این پژوهش با مطالعاتی که بر نقش پاسخگویی و مشروعیت سیاسی تأکید دارند، همخوانی دارد. پژوهش برامل و دو بلوک نشان می‌دهد که ترتیبات پاسخگویی سیاسی می‌تواند ادراک مشروعیت را افزایش داده و در نتیجه مشارکت سیاسی را تقویت کند (Brummel & de Blok, 2024). همچنین، بر اساس دیدگاه لوپز، فرهنگ سیاسی و کارآمدی نهادها می‌تواند بر میزان مشارکت شهروندان تأثیرگذار باشد (Lopez, 2022). این نتایج نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل فردی، ویژگی‌های نهادی و ساختاری نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به مشارکت سیاسی دارند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای افزایش مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی، توجه همزمان به عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و نهادی ضروری است. اثربخشی سیاسی به‌عنوان یک متغیر کلیدی، می‌تواند نقش پیونددهنده میان این عوامل را ایفا کند و به‌عنوان اهرمی برای تقویت مشارکت سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت سیاسی باید بر تقویت احساس توانمندی سیاسی، افزایش اعتماد اجتماعی و بهبود سیاست‌های مدیریت تنوع قومی تمرکز داشته باشند.

محدودیت‌های پژوهش حاضر را می‌توان در چند سطح مورد بررسی قرار داد. نخست، استفاده از روش پیمایشی و تکیه بر داده‌های خودگزارشی ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهی همراه باشد و دقت نتایج را تحت تأثیر قرار دهد. دوم، تمرکز پژوهش بر یک منطقه جغرافیایی خاص، یعنی شهرستان گچساران، ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر جوامع چندقومیتی را محدود کند. سوم، برخی متغیرهای تأثیرگذار مانند عوامل اقتصادی، رسانه‌ای و نهادی به‌طور کامل در مدل پژوهش لحاظ نشده‌اند که می‌تواند بر جامعیت تحلیل‌ها تأثیر بگذارد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، با استفاده از روش‌های طولی و ترکیب داده‌های کمی و کیفی، به بررسی پویایی‌های زمانی مشارکت سیاسی پرداخته شود. همچنین، بررسی نقش سایر متغیرهای میانجی مانند سرمایه فرهنگی، هویت سیاسی و اعتماد نهادی می‌تواند به غنای مدل‌های تبیینی کمک کند. انجام مطالعات مقایسه‌ای میان مناطق مختلف و گروه‌های قومی گوناگون نیز می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های الگوهای مشارکت سیاسی منجر شود.

از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی مفید باشد. طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی با هدف تقویت احساس اثربخشی سیاسی در میان شهروندان، به‌ویژه در میان گروه‌های قومی مختلف، می‌تواند به افزایش مشارکت سیاسی کمک کند. همچنین، تقویت اعتماد اجتماعی از طریق بهبود عملکرد نهادهای عمومی و افزایش شفافیت و پاسخگویی می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت بیشتر شهروندان در فرآیندهای سیاسی شود. در نهایت، اتخاذ سیاست‌های عادلانه و فراگیر در مدیریت تنوع قومی می‌تواند به افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی در جوامع چندقومیتی منجر شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می آید.

Extended Abstract

Introduction

Political participation is widely recognized as a cornerstone of democratic governance, reflecting the extent to which citizens are actively engaged in shaping political processes, influencing decision-making, and legitimizing governing institutions. In contemporary political sociology, participation is not merely understood as electoral involvement but also encompasses a wide range of formal and informal civic activities. The determinants of political participation are complex and multifaceted, particularly in multi-ethnic societies where cultural diversity, social stratification, and identity dynamics interact in shaping political behavior. In such contexts, social trust and political efficacy emerge as two critical variables that influence citizens' willingness and ability to participate in political life (Coleman, 1988; Putnam, 2015).

Social trust, as a key component of social capital, refers to individuals' confidence in others and in social and political institutions. It plays a fundamental role in facilitating cooperation, reducing uncertainty, and encouraging collective action. High levels of social trust are associated with increased civic engagement and participation, as individuals are more likely to engage in public affairs when they perceive their social environment as reliable and supportive (Putnam, 2015). However, empirical evidence suggests that the relationship between trust and participation is not always linear and may depend on contextual and mediating factors (Ouattara & Steenvoorden, 2024).

Political efficacy, on the other hand, reflects individuals' belief in their capacity to influence political outcomes. It is considered a crucial psychological driver of political behavior, as individuals who perceive themselves as capable and effective are more likely to engage in political activities. Theoretical frameworks such as the Civic Voluntarism Model and the Theory of Planned Behavior highlight the central role of

perceived efficacy in translating political attitudes into actual participation (Goetting & Becker, 2025; Prats & Meunier, 2021). Moreover, recent studies emphasize the importance of political efficacy as a mediating variable that links structural and social factors to participatory outcomes (Villaman, 2025).

In multi-ethnic societies, the interplay between social trust and political efficacy becomes even more complex. Ethnic diversity can shape patterns of trust, intergroup relations, and identity formation, thereby influencing political engagement. Theories of social identity suggest that individuals' political behavior is often aligned with their group affiliations, which can either enhance or constrain participation depending on the nature of intergroup relations (Tajfel et al., 2001). Empirical research has shown that ethnic diversity may affect participation both positively, by fostering pluralism, and negatively, by creating divisions and reducing trust (Benos & Kammass, 2023; Cetre et al., 2024).

Furthermore, the role of institutional factors, media exposure, and digital communication cannot be overlooked. Access to information, opportunities for self-expression, and perceptions of political accountability all contribute to shaping citizens' engagement in political processes (Brummel & de Blok, 2024; Wang et al., 2024). At the same time, cultural and political contexts influence how individuals interpret their role in the political system and whether they perceive participation as meaningful or effective (Lopez, 2022).

Despite the growing body of literature on political participation, there remains a gap in understanding how social trust and political efficacy interact in multi-ethnic settings, particularly in non-Western contexts. Many studies have examined these variables independently, but fewer have explored their combined and mediating effects. Additionally, the role of ethnic policies and intergroup dynamics in shaping political efficacy and participation requires further investigation. Addressing these gaps is essential for developing a more comprehensive understanding of participation in diverse societies and for designing policies that promote inclusive political engagement (Aliakbari et al., 2024; Amoozadeh et al., 2024; Rahbar et al., 2024).

This study aims to examine the role of social trust and political efficacy in increasing political participation within the multi-ethnic context of Gachsaran County, providing empirical insights into the direct and indirect relationships among these variables.

Methods and Materials

This study employed a mixed-methods research design integrating both qualitative and quantitative approaches. In the qualitative phase, key constructs related to social trust and political efficacy were identified through a comprehensive review of theoretical and empirical literature. In the quantitative phase, the relationships among social trust, political efficacy, ethnic policies, and political participation were examined using survey data.

The statistical population consisted of all residents of Gachsaran County, characterized by ethnic diversity. A sample of 382 participants was selected using simple random sampling based on Cochran's formula. Data were collected through structured questionnaires measuring social trust, political efficacy (including its dimensions),

ethnic policies, and political participation. All instruments were designed using a five-point Likert scale, and their validity and reliability were confirmed through expert evaluation and Cronbach's alpha coefficients above acceptable thresholds.

Data analysis was conducted using both descriptive and inferential statistics. Pearson correlation coefficients were used to examine bivariate relationships, while multiple regression and path analysis were applied to assess direct and indirect effects among variables. Structural equation modeling techniques were also employed to evaluate the overall model fit and the mediating role of political efficacy.

Findings

The results of the data analysis revealed several important relationships among the study variables. First, political efficacy demonstrated a positive and statistically significant relationship with political participation ($r = 0.363, p < 0.001$), indicating that individuals with higher levels of perceived political effectiveness are more likely to engage in political activities. Among the dimensions of political efficacy, political duty orientation and the ability for political competition exhibited the strongest correlations with participation.

Second, social trust did not show a statistically significant direct relationship with political participation. However, further analysis indicated that social trust had a significant indirect effect on participation through its influence on political efficacy. In particular, trust in close social networks was found to be positively associated with participation, suggesting the importance of interpersonal relationships in facilitating political engagement.

Third, ethnic policies did not have a significant direct effect on political participation. Nonetheless, similar to social trust, they exerted a meaningful indirect influence through political efficacy. This finding suggests that inclusive and effective ethnic policies may enhance individuals' perceptions of political influence, thereby increasing their likelihood of participation.

The regression analysis confirmed that political efficacy is the strongest predictor of political participation, while social trust and ethnic policies contribute indirectly. The overall model demonstrated acceptable explanatory power, with the independent variables accounting for a moderate proportion of the variance in political participation.

Discussion and Conclusion

The findings of this study highlight the central role of political efficacy in shaping political participation within multi-ethnic contexts. While social trust and ethnic policies are important factors, their influence appears to be largely indirect, operating through individuals' perceptions of their own political capabilities. This underscores the importance of psychological and perceptual dimensions in understanding political behavior, particularly in diverse societies where structural and cultural factors interact in complex ways.

The absence of a direct relationship between social trust and political participation suggests that trust alone is insufficient to motivate political engagement. Instead, trust must be translated into a sense of empowerment and agency. This finding contributes to ongoing debates in the literature regarding the dual role of trust as both

a facilitator and a potential inhibitor of participation. It also emphasizes the need to consider mediating variables when analyzing the effects of social capital on political outcomes.

Similarly, the indirect effect of ethnic policies indicates that the management of diversity plays a crucial role in fostering inclusive political environments. Policies that promote fairness, representation, and recognition can enhance individuals' sense of belonging and efficacy, thereby encouraging participation. Conversely, ineffective or exclusionary policies may undermine these perceptions and reduce engagement.

Overall, this study provides empirical support for integrative models of political participation that incorporate both structural and psychological factors. By demonstrating the mediating role of political efficacy, it offers a more nuanced understanding of how social and institutional contexts influence political behavior. These insights have important implications for policymakers and practitioners seeking to promote democratic participation in multi-ethnic societies. Efforts to strengthen political efficacy—through education, civic engagement programs, and inclusive governance practices—can serve as effective strategies for enhancing participation and fostering more resilient democratic systems.

References

- Aghaei Khaneh Bargh, A., Gharibzadeh, R., & Azadi Beris, L. (2020). Modeling the Role of Political Culture in Political Participation and Political Trust with the Mediation of Social Capital. *Cultural Leadership Studies*(3), 68-81.
- Aliakbari, A., Bakhshayeshi Ardestani, A., & Heidari, N. (2024). Investigating the Effect of Social Capital on the Political Participation of University Students in Ilam. *Ilam Culture*, 82-83, 7-29.
- Amoozadeh, A., Kord Zangeneh, M., & Dorosti, A. A. (2024). Investigating the Social Factors Affecting Political Participation: A Case Study of Citizens' Participation in Ilam Province in the Eleventh Parliamentary Election. *Social Development*(3), 221-250.
- Benos, N., & Kammas, P. (2023). The Effect of Ethnic Diversity on the Participation in Social Groups: Evidence from Trade Unions. *European Journal of Political Economy*, 77, 102318. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2022.102318>
- Brik, D. (2023). *The Role of Citizen Participation in Fostering Political Trust*.
- Brummel, L., & de Blok, L. (2024). Do Political and Social Accountability Arrangements Increase Citizens' Legitimacy Perceptions? A Vignette Experiment in the Netherlands. *Public Management Review*, 26(11), 3365-3389. <https://doi.org/10.1080/14719037.2024.2337843>
- Cetre, S., Algan, Y., Grimalda, G., Murtin, F., Pipke, D., Putterman, L., & Siegerink, V. (2024). Ethnic Bias, Economic Achievement and Trust Between Large Ethnic Groups: A Study in Germany and the US. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 224, 996-1021. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2024.07.003>
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120. <https://doi.org/10.1086/228943>
- Eslami, A., Mohajeri, A., & Babaei, M. (2024). Desire for Participation on the Highway of Trust: A Sociological Analysis of the Effects of Political Trust and Political Self-Confidence on the Tendency Toward Political Participation Among Students of Islamic Azad University of Zanjan. *Strategic Culture Studies*(3), 187-214.
- Goetting, K., & Becker, S. (2025). Explaining Political Participation Intention Through the Lens of the Civic Voluntarism Model and Extended Theory of Planned Behavior. *Journal of Cleaner Production*, 519, 145437. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2025.145437>
- Lissitsa, S. (2021). Effects of Digital Use on Trust in Political Institutions Among Ethnic Minority and Hegemonic Group: A Case Study. *Technology in Society*, 66, 101633. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101633>
- Lopez, O. S. (2022). The Efficacy of Today's American Political Culture in Closing the Achievement Gap. *Social Sciences and Humanities Open*, 6(1), 100367. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2022.100367>
- Ouattara, E., & Steenvoorden, E. (2024). The Elusive Effect of Political Trust on Participation: Participatory Resource or (Dis)incentive? *Political Studies*, 72(4), 1269-1287. <https://doi.org/10.1177/00323217231194820>
- Park, S., Lee, J. Y., McGuinness, K., Griffiths, R., & Nguyen, T. (2023). News Representation and Sense of Belonging Among Multicultural Audiences. *Media and Communication*, 11(4), 264-273. <https://doi.org/10.17645/mac.v11i4.7002>
- Prats, M., & Meunier, A. (2021). *Political Efficacy and Participation: An Empirical Analysis in European Countries*.
- Putnam, R. D. (2015). Bowling Alone: America's Declining Social Capital. In *The City Reader* (pp. 188-196). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315748504-30>

- Rahbar, A., Sarfi, A., & Kasehsaz, Z. (2024). *The Role of Political Culture in the Transformation of Urban Spaces: With Emphasis on Multicultural Societies* Proceedings of the 16th International Conference on Humanities, Social Sciences and Lifestyle,
- Sadeghi Sarcheshmeh, F., & Morshedizad, A. (2023). The Role of Social Trust in the Motivation for Political Participation Among the Youth of Yazd. *Social Continuity and Change*(2), 451-473.
- Sindermann, C. (2024). Relations Between Different Components of Group Identification and Types of Social Media Political Participation in the Context of the Fridays for Future Movement. *Personality and individual differences*, 230, 112773. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2024.112773>
- Tajfel, H., Turner, J., Austin, W. G., & Worchel, S. (2001). An Integrative Theory of Intergroup Conflict. In *Intergroup Relations: Essential Readings* (pp. 94-109).
- Villaman, N. (2025). Cultivating Political Efficacy: Facilitation as a Catalyst for Democratic Education and Civic Competence. *Journal of Civil Society*, 21(1), 1-20. <https://doi.org/10.1080/17448689.2024.2390054>
- Wang, Y., Kim, Y., & Lin, H. (2024). Social Viewing of News and Political Participation: The Mediating Roles of Information Acquisition, Self-Expression, and Partisan Identity. *Computers in human Behavior*, 154, 108158. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2024.108158>
- Zahed Bablan, A., Mokalaf Sarband, K., Gharibzadeh, R., & Aghaei Khaneh Bargh, A. (2021). *Modeling the Role of Political Culture in Students' Political Participation and Political Trust with the Mediation of Social Responsibility* Proceedings of the 2nd National Conference on the Future School,
- Zhu, M. (2023). The Effect of Political Participation of Chinese Citizens on Government Satisfaction: Based on Modified Causal Forest. *Procedia Computer Science*, 221, 1044-1051. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2023.08.086>